یادداشت

وحید حاجی‌پور

تحریم بنزین

رشد تقاضای بنزین در حالی به عدد ۸ درصد رسیده که در سال ۸۶ با رسیدن این تقاضا به ۱۰ درصد امریکا تصمیم به تحریم واردات این فرآورده نفتی گرفت که با استفاده از کارت سوخت این اقدام خنثی شد. علت اصلی افزایش تقاضای بنزین حذف نظام سهمیه‌بندی این فرآورده نفتی توسط دولت و آقای زنگنه است. تجربه برخورد غرب نشان داده است هر زمان فرصتی به دست آورد از هیچ امکاناتی برای ضربه زدن به ایران فروگذار نمی‌کند. یکی از حوزه‌هایی که به عنوان هدف آسیب به ایران در نظر گرفته شده، حوزه انرژی است. شاید بارزترین تلاش امریکا و کشورهای غرب برای آسیب زدن به اقتصاد کشور و به صورت خاص حوزه انرژی، بعد از تحریم نفت، تلاش برای تحریم واردات بنزین به کشور بود.

ایده این اقدام زمانی شدت گرفت که روند تقاضای بنزین در کشور روندی صعودی به خود گرفت. تقاضای بنزین از حدود ۳۳ میلیون لیتر در سال ۱۳۷۵ به ۷۳/۶ میلیون لیتر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافت و به تبع آن کشور نیازمند واردات حجم بالایی از واردات بنزین بود. این تقاضا دستاویزی برای امریکا شد تا طرحی را برای تحریم واردات بنزین و ضربه به ایران طراحی کند اما ایران با شناخت از این تصمیم امریکا طرحی را پیاده‌سازی کرد که این توطئه امریکا را نیز خنثی کرد. ایران در زمان کوتاهی توانست با استفاده از سهمیه‌بندی بنزین تقاضای این ماده استراتژیک را مدیریت کند. موضوع سهمیه‌بندی بنزین با استفاده از کارت سوخت در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ تصویب و از تیرماه همان سال اجرا شد. با اجرا شدن این طرح، روند فزاینده قاچاق و مصرف متوقف شد و درنتیجه واردات بنزین کاهش یافت.

استفاده از کارت سوخت علاوه بر کاهش عجیب تقاضای بنزین، زمینه‌ساز خودکفایی در تولید بنزین شد و عملاً میزان واردات بنزین به حدود صفر رسید. همچنین کارت سوخت قاچاق بنزین را که پیش از این به دلیل اختلاف قیمت با کشورهای همسایه از صرفه اقتصادی بالایی برخوردار بود به حداقل رساند. زنگنه، وزیر نفت که در ابتدا از موافقان استفاده از کارت سوخت بود، اجرای آن را تا سال ۹۴ ادامه داد اما در خرداد ۹۴ با اخذ مصوبه‌ای از دولت، سهمیه‌بندی بنزین را متوقف و این فرآورده‌های نفتی را تک‌نرخی اعلام کرد. وی با استناد به استدلال‌هایی نادرست چون «هیچ‌کس در دنیا از سامانه هوشمند سوخت استفاده نکرده است»، «استفاده از کارت سوخت مردم را اذیت می‌کند»، «از اطلاعات کارت سوخت کسی استفاده نمی‌کند»، «کارت سوخت هیچ تأثیری در کنترل مصرف سوخت ندارد» و «حفظ کارت سوخت حرکت زائدی است که تأثیری در جامعه ندارد» موافقت دولت برای حذف سهمیه‌بندی بنزین را به دست آورد.

اکنون حدود دو سال از اقدام نادرست زنگنه در حذف سهمیه‌بندی بنزین می‌گذرد؛ سهمیه‌ای که کمترین اثر آن تعیین استاندارد استفاده از سوخت یارانه‌ای و معیاری روانی برای مدیریت مصرف بنزین بود. نتیجه این اقدام این شد که رشد واردات بنزین مشابه رشد واردات بنزین در زمانی شد که امریکا تصمیم به تحریم بنزین داشت. به عبارت دیگر این اقدام نادرست در حذف سهمیه‌بندی عملاً به عنوان پیامی به امریکا برای ضربه زدن به ایران تلقی می‌شود. رشد تقاضای سالانه بنزین در زمان آغاز سهمیه‌بندی بنزین حدود ۱۰ درصد بود که با اجرای سامانه هوشمند عرضه سوخت به کمتر از ۲ درصد تنزل پیدا کرد اما با حذف سهمیه بنزین، مصرف این فرآورده نفتی از ابتدای سال ۹۶ تاکنون رشد ۸ درصدی را تجربه کرده که با ادامه این روند به بالای ۱۰ درصد نیز خواهد رسید. جالب‌تر آنکه زنگنه قصد داشت زیرساخت استفاده از کارت سوخت در توزیع بنزین را کاملاً حذف کند که با هوشیاری مجلس و اقدام فوری این تصمیم زنگنه اجرایی نشد و تنها به حذف نظام سهمیه‌بندی اکتفا و دولت ملزم به توزیع بنزین با استفاده از کارت سوخت جایگاه‌ها شد. حال سؤال این است که زنگنه و دولت با چه منطقی سهمیه بنزین را حذف و زمینه رشد واردات این فرآورده نفتی را فراهم کردند و آیا بهتر آن نیست تا پیش از اقدامی خصمانه از سوی امریکا و کشورهای غرب رشد مصرف بنزین در کشور همانند سابق با اجرای نظام سهمیه‌بندی کنترل شود؟

بانک

هشدار عجیب بانک مرکزی به مردم درباره مؤسسات مالی غیرمجاز!

علاوه بر پول مراقب املاکتان هم باشید

بانک مرکزی طی اطلاعیه‌ای نسبت به خطر ضبط املاک مردم که دراختیار برخی مؤسسات مالی به عنوان شعبه، سپرده‌گذاری یا دریافت تسهیلات قرار می‌گیرد هشدار داد.

پیش از این دراطلاعیه‌های بانک مرکزی تنها بر عدم سپرده گذاری در مؤسسات غیرمجازی که لیست آنها دربانک مرکزی نبود، تأکید می‌شد اما در اطلاعیه جدیدبانک مرکزی که دیروز روی خروجی سایت این بانک قرار گرفت به مردم درباره املاکشان هشدار داده شده است. روابط عمومی بانک مرکزی در این اطلاعیه آورده است: «شرکت تعاونی کشاورزی توسعه البرز» و «واحد اعتباری ولیعصر(عج)» فاقد مجوز از بانک مرکزی است، بر این اساس هموطنان گرامی از سپرده گذاری یا هرگونه همکاری از جمله در اختیار قراردادن ملک به این مؤسسات خودداری کنند. این دو شرکت تعاونی در قالب واحدهای اعتباری وابسته به شرکت‌های تعاون روستایی، اغلب در استان‌های البرز و تهران ضمن نقض قوانین و مقررات ذیربط و بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی به فعالیت اعتباری مبادرت می کنند که بانک مرکزی با همکاری نهادهای نظارتی و انتظامی اقدام‌های لازم را به منظور جلوگیری از گسترش فعالیت آنها به عمل آورده است. در این اطلاعیه تأکید شده است: این شرکت‌های تعاونی، غیرمجاز و فاقد هرگونه مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بوده و فعالیت شعب آنها نیز غیرقانونی است، از این رو ضروری است هموطنان عزیز به منظور جلوگیری از به مخاطره افتادن اموال خود از هر گونه ارتباط با این تعاونی‌های غیرمجاز از قبیل در اختیار گذاردن ملک به منظور ایجاد شعبه، سپرده‌گذاری یا دریافت تسهیلات جداً خودداری کنند. در غیر این‌صورت، بانک مرکزی هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال تضییع حقوق مشتریان این شرکت‌های تعاونی غیرمجاز به خصوص استرداد وجوه سپرده‌گذاران را ندارد. ضمناً از هموطنان گرامی درخواست می‌شود قبل از سپرده گذاری در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، با مراجعه به پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی به نشانی WWW.CBI.IR از فهرست بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجاز اطمینان یابند.

بازرسی از ۱۰۰۰ شعبه بانک برای نظارت بر نرخ‌های سود

مدیر اداره نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بانک مرکزی گفت: بیش از ۱۰۰۰ شعبه بانکی از ابتدای اجرای بخشنامه اخیر بانک مرکزی در رابطه با ابلاغ نرخ‌های سود علی الحساب بازرسی شده‌اند.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، علی نصیری با اشاره به آغاز اجرای بخشنامه نرخ سود ۱۵ درصد از ۱۱ شهریور، اظهارداشت: از زمان آغاز اجرای این بخشنامه، بازرسان بخش نظارت بانک مرکزی در سراسر کشور شعبه بانک‌ها را پایش کرده‌اند و تاکنون به جز چند مورد که با آنها برخورد شده است، گزارشی در خصوص افتتاح حساب جدید با غیر از نرخ‌های تعیین شده در بخشنامه نداشته‌ایم. وی در خصوص نرخ سود سپرده صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز گفت: این صندوق‌ها که از سازمان بورس مجوز می‌گیرند و توسط آن سازمان نظارت می‌شوند، منابع خرد را جذب و آن را در بخش‌های مختلف اعم از سپرده بانکی، سهام، اوراق بدهی یا سایر شقوق سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ از این رو احتمال دارد بازدهی و سودی که این صندوق در سررسید پرداخت می‌کنند، بالاتر از نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها باشد اما در صورتی که این صندوق‌ها بخشی از منابع خود را در بانک سپرده‌گذاری کنند، سود این سپرده‌ها با توجه به ماهیت سررسیدی، مطابق با نرخ سود علی‌الحساب مصوب شورای پول و اعتبار خواهد بود.

گزارش یک

مهرداد ابراهیمیان

بی‌توجهی معاون زنان رئیس‌جمهور به سخنان مشاور ویژه

ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی با تصمیم دولت شتاب می‌گیرد!

سن بازنشستگی را کم نکنید، پست‌های خلق‌الساعه و زائد ژن‌های خوب را حذف کنید

هنوز هشدارهای دکتر نیلی درباره بحران صندوق‌های بازنشستگی مبنی بر اینکه «به ازای هر بازنشسته باید شش نفر شاغل وجود داشته باشد اما این نسبت الان حدود ۰/۹ است» در فضای مجازی دست به دست می‌شود که معصومه ابتکار معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری ایران از کاهش سن بازنشستگی زنان به ۲۵ سال خبر داده است، بنابراین با توجه به شرایط و قرائن نمی‌توان به طور قاطع اظهارنظر کرد این قانون به نفع بانوان کشور است زیرا با کاهش پنج ساله سنوات خدمت برای بازنشستگی نه تنها بار این اقدام هزینه‌های بیشتر مالی را به صندوق‌های بازنشستگی تحمیل می‌کند بلکه معلوم نیست مصوبه دکتر روحانی مبنی بر کاهش ۱۵ درصدی نیروهای انسانی با اعمال فشار ژن‌های خوب محقق شود، البته مصوبه مشابه همین ادعای خانم ابتکار در دولت قبلی به منظور جایگزینی نیروهای جدید اجرا شد که تنها با اعمال بار مالی زیاد شغل‌های دولتی ایجاد و هزینه‌های جاری دولت را به شدت افزایش داد.

وضعیت بحرانی صندوق‌های بازنشستگی به دلیل سوء مدیریت‌های مشهود و نامشهود که مشاور رئیس‌جمهور به عنوان یک ابر چالش از آن یاد می‌کند از یک طرف و مشکلات اقتصادی کشور از طرف دیگر این ایده را در ذهن تداعی می‌کند که متأسفانه با توجه و اتکا بر درآمدهای نفتی، هزینه تولید شغل در کشور از هزینه بازنشستگی پیش از موعد برای بازشدن بخت اشتغال جوانان جویای کار در فضای کسب و کار بیشتر است! بنابراین طبیعی است که درآمدها با یک نگاه کوتاه‌مدت صرف بازنشستگی پیش از موعد شاغلان شود و شاید این فاز اول اجرایی این ایده باشد.

نگاه هزینه و فایده در همه حوزه‌های اقتصادی حتی در این موضوع مهم اشتغال‌زایی کشور، زیاد هم فاکتور منفوری نیست وحتی می‌توان در آخر سال بر تحقق شعار انتخاباتی فخر فروخت ولی تداعی‌کننده اتکا بر طرح‌ها و برنامه ریزی‌های تسکین‌دهنده کوتاه‌مدت است که ان‌شاءالله برای تأثیرات سوء جانبی آن هم فکر شده باشد.

دکتر نیلی مشاور ویژه اقتصادی رئیس‌جمهور بهای آن را به نوعی به تعویق انداختن بحران و پیش‌خور کردن رفاه آیندگان عنوان کرده بود نه حاصل درآمدهای ایجاد شده ناشی از نیروی انسانی!

■ بازنشستگی در سایر کشورها در سال ۲۰۱۷

در گزارش ۲۰۱۷ مرجع بازنشستگی جهانی (Global Retirement Index) ارزیابی عملکرد کلی کشورها در مورد بازنشستگی بر اساس شاخص‌های هجده گانه متکی بر رفاه مالی بازنشستگان به صورت درصد اندازه‌گیری شده است که در چهار گروه اصلی دسته بندی شده‌اند:

۱- گروه وضعیت امور مالی در بازنشستگی شامل شاخص‌های وابستگی به سن پیری- وام‌های غیربانکی بانک- تورم- نرخ بهره- فشار مالیاتی -دولت (مقررات)- انسجام دولت

۲- گروه رفاه مادی شامل شاخص‌های تأمین درآمد- درآمد سرانه - وضعیت بیکاری

۳- گروه کیفیت زندگی شامل شاخص‌های شادی- کیفیت هوا- آب و بهداشت- تنوع زیستی و زیستگاه - عوامل محیطی

۴- گروه سلامت شامل شاخص‌های امید به زندگی- مصارف بهداشتی در سرانه- هزینه‌های بهداشتی غیربیمه شده و در یک جمع‌بندی با تجمیع و اندازه‌گیری شاخص‌های چهارگانه فوق عملکرد کشورها بر اساس اطلاعات به‌دست آمده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که آن را GRI Global Retirement Index می‌گویند.

بر اساس گزارش منتشر شده سال جاری میلادی، ۱۰ کشور برتر در حوزه بازنشستگی عبارتند از: ۱- نروژ ۲- سوئیس ۳- ایسلند ۴- سوئد ۵- نیوزیلند ۶- استرالیا ۷- آلمان ۸- دانمارک ۹- هلند ۱۰- لوکزامبورگ. در این رتبه‌بندی کمترین امتیاز به کشور هند و بیشترین امتیاز به منطقه امریکای مرکزی اختصاص یافته و وضعیت رتبه در قاره آفریقا، بخشی از امریکای جنوبی، بخشی از آسیای جنوب شرقی، کشورهای خاورمیانه از جمله کشور ما، عربستان، امارات و کویت در سال ۲۰۱۷ نسبتاً ضعیف و تقریباً یکسان ارزیابی شده است.

این شاخص با ساختار دولت‌ها و اقتصاد کشورها چقدر هماهنگ و جهانشمول است، البته جای تردید وجود دارد ولی حداقل نتایج آن در کشورهای اروپایی قرین به این واقعیت مهم است که دولت‌های اروپایی با درک این موضوع که هرم سنی جمعیتی آنها به سمت پیری پیش می‌رود، طرح‌ها و برنامه‌های گسترده‌ای برای افزایش امید به زندگی به ویژه در بین بازنشستگان خود پیش‌بینی و در حال اجرا دارند.

■ رابطه اشتغال و بازنشستگی در ایران

اما تقریبا کمتر کسی است که با مشکلات بازنشستگی در ایران ناآشنا باشد؛ از معیشت سخت بخش عمده‌ای از بازنشستگان گرفته تا حتی وام‌های اخیر که به جای تثبیت وضعیت اقتصادی بیشتر پدران و مادران بازنشستگان را بابت هزینه فرزندان بدهکار کرده است ولی از یک منظر همانطور که کاهش سن بازنشستگی بانوان می‌تواند در اشتغالزایی مؤثر واقع شود، امروزه ساختار اقتصادی کشور ما با دو مشکل مهم مواجه است؛ از یک سو به گفته رئیس‌جمهور سالانه ۴۰ هزار میلیارد تومان به صندوق‌های بازنشستگی تزریق می‌شود و از سوی دیگر برخی کارکنان با ۳۵ سال سابقه و حتی بیشتر تمایلی به بازنشستگی ندارند! کما اینکه در بدنه مدیریت کلان کشور این موضوع به شدت محسوس است و احساس تکلیف برای خدمت مانند یک کنه به وجود نازنین برخی مدیران چسبیده و کافی است به سوابق پرداخت بیمه و مالیات برخی مدیران ارشد توجه کرد که برخی با چندین پست حساس مدیریتی کلان بیش از ۳۵ سال پرداخت به صندوق‌های بازنشستگی دارند، بنابراین با توجه به تلاش مضاعف دولت در این حوزه پیشنهاد می‌شود برخلاف نظر وزیر محترم صنایع و بازرگانی مبنی بر به‌کارگیری افراد مسن در پست‌های مشاوره، مدیران ارشد بیش از ۳۰ سال خدمت در یک طرح ضربتی ابتدا برای کاهش عطش خدمت به مردم طرحی نو دراندازند و ضمن پیش‌بینی ساز و کار بازنشستگی اجباری بعد از ۳۰ سال خدمت برای آقایان و به خصوص در پست‌های مدیریتی و همانند ۲۵ سال خدمت برای بانوان و افزایش امید به زندگی برای همه بازنشستگان عزیز با تقویت صندوق‌های بازنشستگی داوطلبانه امکان اشتغال برای جوانان متخصص جویای کار را فراهم کنند.

قطعاً تجارب این عزیزان در سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مختلف زیست‌محیطی، اقتصاد و فرهنگ می‌تواند همیشه راهگشای جمعیت رو به پیری کشور باشد؛ کشوری که بیشتر نیازمند طرح‌های راهبردی و بلندمدت است نه طرح‌های کوتاه‌مدت مبتنی بر دلارهای نفتی و انتقال بحران به آینده!

بدیهی است در این میان نیز برای تحقق دستورات دکتر روحانی مبنی بر کاهش ۱۵ درصدی نیروی انسانی و کاهش هزینه‌های دولت باید به جای کاهش سن بازنشستگی به تعدیل و حذف پست‌های مدیریتی زائد (که صرفاً برای برخی افراد ایجاد شده است) چاره‌ای اندیشید و راهکاری برای در رفتن از زیر بار فشار و لابی‌های دارندگان ژن خوب در رده‌های مختلف و دستگاه‌های مستقر در سه قوه و نهادهای غیردولتی اندیشید وگرنه بحران بازنشستگی خیلی زودتر از آنچه فکرش را بکنیم اقتصاد را زمینگیر خواهد کرد.

گزارش ۲

هادی غلامحسینی

وزیر مسکن و شهرسازی عنوان کرد

اصرار بر انبوه‌سازی مسکن با ۳ میلیون مسکن خالی و ۱۹میلیون خانه به دوش

وزیر راه و شهرسازی در حالی از وجود ۲۷میلیون واحد مسکونی در برابر ۲۴میلیون خانوار در کشور و به سر بردن ۱۹ میلیون خانوار در وضعیت فلاکت مطلق خبر می‌دهد که به گفته رئیس اتحادیه املاک تهران هم اکنون در ایران ۶۷ درصد مردم مالک و ۳۳ درصد مستأجر هستند، بدین ترتیب حدود ۵ تا ۶میلیون مستأجر در کشور وجود دارد که این اوضاع از اشکال در توزیع و باز توزیع عادلانه ثروت در جامعه خبر می‌دهد.

به گزارش «جوان»، علی نیکزاد اولین وزیر راه‌وشهرسازی اوایل دهه ۹۰ به صراحت از حضور قابل ملاحظه بانک‌ها در بخش مسکن گلایه کرد و حالا عباس آخوندی دومین متصدی وزارتخانه ادغامی راه‌وشهرسازی از سوداگری در بخش مسکن انتقاد می‌کند و می‌گوید، در سال ۹۲ عده‌ای تصمیم می‌گرفتند کجا بسازند و چگونه بسازند که به نظر می‌رسد اشاره وی به ساخت‌وساز مسکن لوکس در مناطق گران قیمت است، البته اواخر دهه ۸۰ نیز رئیس اتحادیه مشاوران املاک کشوری سرمایه‌گذاری هنگفت و عجیب عده‌ای در بخش مسکن پایتخت را که حتی به خرید مسکن‌های نیمه‌کاره منتج بود، مورد نقد قرار می‌داد.

اواخر دهه ۸۰ علیرضا خسروی رئیس اتحادیه وقت مشاوران املاک کشوری مدعی شد عده‌ای سوداگر با خریدهای انبوه مسکن و خانه‌های خالی و حتی واحدهای مسکونی نیمه‌کاره قصد برهم زدن تعادل بازار مسکن را داشتند که این موضوع را به دولت اطلاع دادیم و در اول دهه ۹۰ نیز وزیر راه‌وشهرسازی وقت به صراحت عنوان داشت بانک‌ها در بخش ساختمان چه می‌کنند؟ در این میان وزیر راه‌وشهرسازی حرف‌هایی از همان جنس به میان می‌آورد و می‌گوید، در سال ۹۲ که دولت یازدهم بر سر کار آمد، مشخص شد سوداگرانی وجود دارند که تصمیم می‌گیرند کجا بسازند و چگونه بسازند. بنده بر این باور هستم که ایران چندین دهه با این موضوع درگیر خواهد بود.

همانطور که اشاره شد رئیس اتحادیه املاک کشوری در اواخر دهه ۸۰ از سرمایه‌گذاری کلان عده‌ای در حوزه مسکن پایتخت در سال‌های ۸۴ و ۸۵ خبر داد و مدعی شد این سرمایه‌گذاری‌ها آنقدر قابل ملاحظه بوده است که حتی بسیاری از مسکن‌های نیمه‌کاره نیز خریداری می‌شد که با اطلاع به دولت وقت جلوی این سوداگران گرفته شد، حال با گذشت حدود ۱۲ سال، وزیر راه‌وشهرسازی نیز مدعی می‌شود عده‌ای سوداگر وجود دارند که تصمیم می‌گیرند کجا و چطور بسازند که به نظر می‌رسد اشاره تلویحی وزیر به برخی انبوه‌سازان و سوداگران مسکن است.

■ سوداگری در بخش مسکن سرمایه کلان می‌خواهد

همه می‌دانیم که سوداگری در بخش مسکن نیاز به سرمایه عظیمی دارد زیرا مسکن کالایی گران به شمار می‌رود و سرمایه‌گذاران در این بخش باهدف اثرگذاری در قیمت باید صاحب منابع بسیار قابل ملاحظه‌ای و ائتلاف و اتحادی سازمان‌یافته باشند که این سرمایه به نظر می‌رسد تنها می‌تواند در اختیار بخش‌های مالی قوی و بزرگی چون بانک‌ها، بیمه‌ها و هلدینگ‌های بزرگ باشد که از طریق بنگاه‌های ساختمانی ذیل گروه‌های مالی‌شان اقدام به سرمایه‌گذاری در بخش مسکن کنند، در این بین باید عنوان داشت افزایش شدید دارایی‌های سمی بانک‌ها نشان می‌دهد بانک خودش رأساً یا تسهیلات گیرندگان از بانک (شرکت‌های ساختمانی متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی) سپرده‌های مردم را در بخش ساختمان سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

■ اشتباه محاسباتی تحلیلگران سرمایه‌گذاری

اما سرمایه‌گذاران یا سوداگران مسکن این بار گویی رکب خورده‌اند و در محاسبات خود برای سرمایه‌گذاری و دستیابی به سود مورد انتظار در بخش ساختمان دچار اشتباه شده‌اند زیرا مسکن قریب به پنج سال است در رکود به سر می‌برد و نرخ رشد منفی بخش ساختمان طی پنج سال اخیر قریب به ۵۰ درصد بوده و در این میان ۳ میلیون خانه خالی در کشور دپو شده است که گویی قدرت نقدشوندگی خود را با قیمت‌های موجود پیشنهادی و همچنین قدرت ضعیف خرید خانوار از دست داده‌اند و برخی کارشناسان فروش این مسکن‌ها را با تخفیف‌های ۳۰ تا ۵۰ درصدی هم گاه امکانپذیر نمی‌دانند.

■ انتقاد مدیرعامل بانک مسکن از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ‌ترین هلدینگ دولتی ساختمان‌سازی

پیش از این بت‌شکن مدیرعامل بانک مسکن در واکنش به پرسش روزنامه جوان در خصوص سرمایه‌گذاری‌های شرکت سرمایه‌گذاری مسکن (یکی از بزرگ‌ترین هلدینگ‌های ساختمان‌سازی در کل اقتصاد ایران با ۱۵ شرکت تابعه بورسی و غیربورسی در سراسر ایران) عنوان داشته بود، در گذشته سرمایه‌گذاری‌های اشتباهی در این مجموعه عظیم انجام گرفته است که درصدد اصلاح رویه سرمایه‌گذاری و تولید مسکن در این مجموعه برآمده‌ایم، در حقیقت بت‌شکن به شکل تلویحی سرمایه‌گذاری در مناطق گران‌قیمت شهرها برای ساخت مسکن‌های لوکس را توسط این مجموعه بزرگ ساخت مسکن تأیید کرده است که گویی مربوط به سال‌های ماقبل ۹۲ بوده است، بدین ترتیب مجموعه سرمایه‌گذاری در کشور در اواخر دهه ۹۰ دچار یک اشتباه در تحلیل سرمایه‌گذاری شده بودند و سرمایه عظیمی را در بخش ساخت مسکن لوکس گران‌قیمت به واسطه منابع بانکی در دستور کار قرار دادند.

■ آخوندی: از انتقاد دست برنمی‌دارم

حال عباس آخوندی در مراسم تودیع و معارفه معاون معماری و شهرسازی با تأکید بر اینکه شهر در عرصه ساخت‌وساز سوداگران قرار داشت، گفت: وضعیت شهرسازی در ایران آشفته و به‌هم‌ریخته است، متأسفانه سوداگران مسکن تصمیم می گرفتند که کجا و چگونه ساخت‌وساز انجام شود، باید شهرسازی به مفهوم تمدن ایران بازگردد.

■ ۳میلیون مسکن مازاد بر تعداد خانوار داریم

آخوندی گفت: ۲۷ میلیون واحد مسکونی در کشور داریم و این در حالی است که میزان خانوارها تنها ۲۴ میلیون نفر است و حدود ۳ میلیون مسکن خالی از سکنه داریم، این نشان از یک عدم‌تعادل مطلق است و نشان می‌دهد همچنان ادامه راه گذشته و اصرار ساخت انبوه و سوداگری وجود دارد.

وی گفت: مگر ساخت‌وساز در بیابان مسئله حاشیه‌نشینی و بازآفرینی شهری را حل می کند؟ بنده می‌دانم که این اظهارات هزینه دارد چراکه به همین دلیل است که بنده دو بار استیضاح شدم اما ترسی ندارم زیرا ما آمده‌ایم تا هزینه بدهیم، چراکه ما داشتیم به زندگی آکادمیک خود ادامه می‌دادیم و اگر می‌خواستیم هزینه ندهیم به همان روال عادی خود ادامه می‌دادیم.

وی با اشاره به اینکه فرسودگی شهرها از درون و حاشیه‌نشینی از برون دو روی یک سکه است، اظهار کرد: اساساً مفهوم شهر و قانون را از دست داده‌ایم، مفهوم شهروند را از دست داده‌ایم.

■ ۱۹ میلیون در فلاکت زندگی می‌کنند

وزیر راه و شهرسازی می‌گوید، تهران و شهرهای پیرامونی آن حدود ۱۵میلیون جمعیت دارد و این به معنای آن است که ۲۵ درصد جمعیت شهری کشور در تهران زندگی می‌کنند، در عین حال در تهران ۵۰۰ هزار خانه خالی داریم و از طرف دیگر عده‌ای در فلاکت مطلق زندگی می‌کنند، این چه عدم‌تعادلی است. در کشور حدود ۳میلیون خانه خالی وجود دارد اما ۱۹میلیون نفر در فلاکت زندگی می‌کنند. این عدم‌تعادل را می‌توان با دستور برطرف کرد؟

آخوندی می‌گوید: ارائه یکسری اعداد و ارقام در خصوص ساخت‌وساز آیا به معنی رشد و توسعه است یا به معنی شهرفروشی است بنده از روز اول و در جلساتی که با شهرداری تهران داشتم به آنها اعلام کردم که تهران چقدر ظرفیت جمعیت‌پذیری دارد، در حال حاضر بیش از ۱۱ میلیون نفر در شهر تهران ظرفیت جمعیت‌پذیری دارد. این در حالی است که بر اساس طرح جامع این عدد باید حدود ۸/۷ میلیون نفر باشد. آخوندی ادامه داد: باوجود این طرح جامع هنوز هم این فشار وجود دارد که این روند باید ادامه یابد، پس اگر شهردار جدید تهران این کار را ادامه دهد، از نظر برخی، شهردار موفقی است، درصورتی که این بیراهه‌ای بیش نیست.

وی افزود: در شهرسازی کار سختی داریم و از این سخت‌تر مفهوم ایران به معنی بازگشت به تمدن ایرانی است، به‌هرحال باید این شهر و کلانشهرها نشانی از ایران داشته باشند چراکه متأسفانه هزاران میلیارد تومان هزینه شده و وقتی وارد شهر پردیس و پرند می‌شوید، نشانی از ایرانی بودن نمی‌بینید.

تصویر اقتصاد

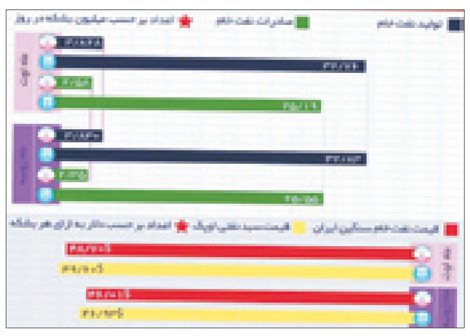

ایران و اوپک در یک نگاه

از میزان تولید و صادرات نفت گرفته تا قیمت نفت خام صادراتی

یادداشت ۲

مهران ابراهیمیان

انسان‌های بی‌کیفیت تحویل دادیم!

تلاش‌های زیادی در جهت تغییر کتاب‌های درسی دانشگاهی و پیش از آن شده اما حقیقت را می‌توان در بازار کار و وضعیت اسفبار بی‌ارتباطی دروس و رشته‌های تحصیلی با محیط اقتصادی کشور دریافت. دنیایی جدید موازی با اقتصاد ایجاد شده در حالی که هنوز دانشگاه‌ها و مدارس ما بیشتر با نگرشی حجره‌گونه و درآمدزا به دانش‌آموز می‌نگرند و مراکز آموزشی تنها به ماشین برچسب مدرک بدل شده‌اند. دانشگاه‌هایی نیز که اسم و رسمی در کرده‌اند بیشتر به مراکز نخبه‌یابی برای غربی‌ها بدل شده‌اند به نحوی که در برنامه فرمول یک گفته شد از بین ۱۵۰ نفر دانشجوی ریاضی صنعتی شریف تنها یک نفر باقی‌مانده است!

انقطاع و ناکارآمدی نظام آموزشی ما حداقل برای تربیت نیروی انسانی نقش‌آفرین در اقتصاد به وضوح ناکام مانده است و این ناکارآمدی نه تنها در وضعیت بازار کار که در گزارش مجمع جهانی اقتصاد مشهود است. بر اساس گزارش این مجمع ایران با کسب امتیاز ۵۴/۹۷ از ۱۰۰، رتبه نازل ۱۰۴ را از لحاظ شاخص سرمایه انسانی در بین ۱۳۰ کشور مورد بررسی به خود اختصاص داده است.

در مقایسه با کشورهای خاورمیانه نیز ایران از بین ۱۲ کشور موردبررسی، در رتبه ۱۱ قرار گرفته است، این در حالی است که قرار بودبر اساس سند چشم‌انداز ما در بسیاری از حوزه‌ها اول منطقه باشیم و اول بودن در بندهای مصرحه در سند چشم انداز جز با کیفیت نیروی انسانی میسر نیست. به اذعان همه اقتصاد دانان توسعه، نقش نیروی انسانی در مسیر پیشرفت و تحول هر کشوری بیش از همه عوامل از جمله منابع بازار و... است.

نگاهی به شاخص‌های این مجمع جهانی در حوزه نیروی انسانی نشان می‌دهد ما در استفاده از مهارت و آموزش در انجام کارها بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم، بنابراین این موضوع دو نکته کاربردی نبودن آموزش‌ها و انقطاع رابطه کار با دانشگاه‌ها را گوشزد می‌کند.

نگاهی به داشته‌های کشور اعم از وجود نیروی انسانی فراوان جوان، منابع انرژی (چند برابر جمعیت در مقیاس متوسط جهانی) و منابع زیرزمینی و اولیه دقیقاً مؤید این موضوع است که ما با داشتن همه عوامل پیشرفت و توسعه نمی‌توانیم از منابع استفاده بهینه کنیم.

این به این معناست که نه تنها مدیران کشور دارای دانش وتوانایی مدیریت این منابع نیستند بلکه زمینه را برای استفاده بهینه از سرمایه‌های انسانی هم فراهم نکرده‌اند و در واقع هزینه‌های مصروف شده در آموزش و پرورش به هدر رفته است؛ چیزی شبیه روان‌آب‌هایی که به شوره‌زارهای غیر قابل کشت می‌ریزند!

نظریه‌پردازان جدید توسعه در واقع شرط توسعه را بهره‌گیری از نیروی انسانی می‌دانند که با تکیه بر داشته‌های موجود با خلاقیت و اتکا بر دانش و فناوری بومی (درونزا) به خلق اعتبار و ارزش افزوده می‌پردازند، در حالی که مسیر آموزش و پرورش ما و تحصیلات تکمیلی به سمت و سوی اقتصاد توزیعی پیش رفته و اصولاً سیاستگذاری در این حوزه بر همین پایه غلط استوار است!

همان طور که اشاره شد در گزارش مجمع جهانی اقتصاد، ایران با کسب ۵۴/۹۷ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز ممکن، رتبه نازل ۱۰۴ را از لحاظ شاخص سرمایه انسانی در بین ۱۳۰ کشور مورد بررسی به خود اختصاص داده است. ایران در این رتبه‌بندی حتی در قیاس با کشورهای کم‌درآمدتری مانند تاجیکستان، فیلیپین، غنا و کامرون امتیاز کمتری کسب کرده و طبیعتاً جایگاهی نازل‌تر از آنها را به دست آورده است. در مقایسه با کشورهای خاورمیانه نیز ایران از بین ۱۲ کشور مورد بررسی در رتبه ۱۱ قرار گرفته است. نکته جالب توجه زیرشاخص توسعه (Development) که به کمیت و کیفیت برنامه‌های در حال اجرا به‌منظور گسترش آموزش‌های عمومی و مهارتی برای محصلان و جمعیت «در سن کار» مربوط می‌شود، امتیاز ایران در این زیرشاخص ۶۷/۰۳ بوده است.

زیرشاخص ظرفیت (Capacity) سطح کنونی تحصیلات گروه‌های سنی مختلف را شامل می‌شود و امتیاز ایران در این زیرشاخص ۶۶/۷۸ بوده است اما به دلیل ناکارآمدی تحصیلات در بخش‌های اقتصادی ارزش افزوده‌ای برای کشور ندارد. آنچنان که زیرشاخص چگونگی استفاده از مهارت‌های تخصصی اصطلاحاً Know- How با وسعت و عمق استفاده از مهارت‌های تخصصی در محیط کار ارتباط دارد؛ امتیاز ایران در این زیرشاخص ۴۵/۵۸ بوده است.

جایگاه بسیار نازل ایران در این زیرشاخص، هشداری جدی برای اقتصاد کشور است. و نشان می‌دهد ما انسان‌های بی‌کیفیت یا بیش از حد باکیفیتی را تحویل جامعه می‌دهیم که متناسب با وضعیت اقتصاد کشور نیستند زیرا حدود ۵۷/۱ میلیون نفر از جمعیت ۸۰/۳ میلیون نفری ایران در سن کار قرار دارند اما نرخ مشارکت نیروی کار ۳۸/۲ درصد و نرخ بیکاری ۱۱/۱ درصد است و در عین حال ۳۴/۴ درصد از جمعیت جوان کشور نه شاغل هستند و نه مشغول تحصیل یا گذراندن دوره‌های مهارتی (فنی و حرفه‌ای)!

همه ما مسئولیم و باید هر چه سریع‌تر آن را اصلاح کنیم.

خبر

تهرانی‌ها با ارسال پیامک از وضعیت آسانسور خود مطلع شوند

مدیرکل استاندارد تهران از فراهم شدن امکان استعلام پیامکی وضعیت گواهی ایمنی آسانسور خبر داد و گفت: این اقدام از سوی سازمان ملی استاندارد ایران و در جهت استانداردسازی آسانسورها انجام شده است.

به گفته مسلم بیات هر شهروندی می‌تواند تنها با ارسال پیامک حاوی شناسه ملی آسانسور به سامانه پیامکی ۱۰۰۰۱۵۱۷، از اطلاعاتی از قبیل نام شرکت نصاب، نام شرکت بازرسی کننده، تاریخ آخرین بازرسی و تاریخ انقضای بازرسی آسانسور، آگاهی پیدا کند.

وی ادامه داد: نصب پلاک شناسه آسانسور در کابین آسانسورها، از ابتدای سال جاری اجباری است و تنها آسانسورهایی که در سامانه توانمند استاندارد آسانسور موفق به دریافت تأییدیه ایمنی و عملکرد شده‌اند، می‌توانند دارای شناسه از این سامانه باشند. از ابتدای سال تاکنون، با تلاش کارشناسان استاندارد، ۶ هزار و ۶۳۰ تأییدیه ایمنی و عملکرد برای آسانسورهای استان تهران صادر شده است.